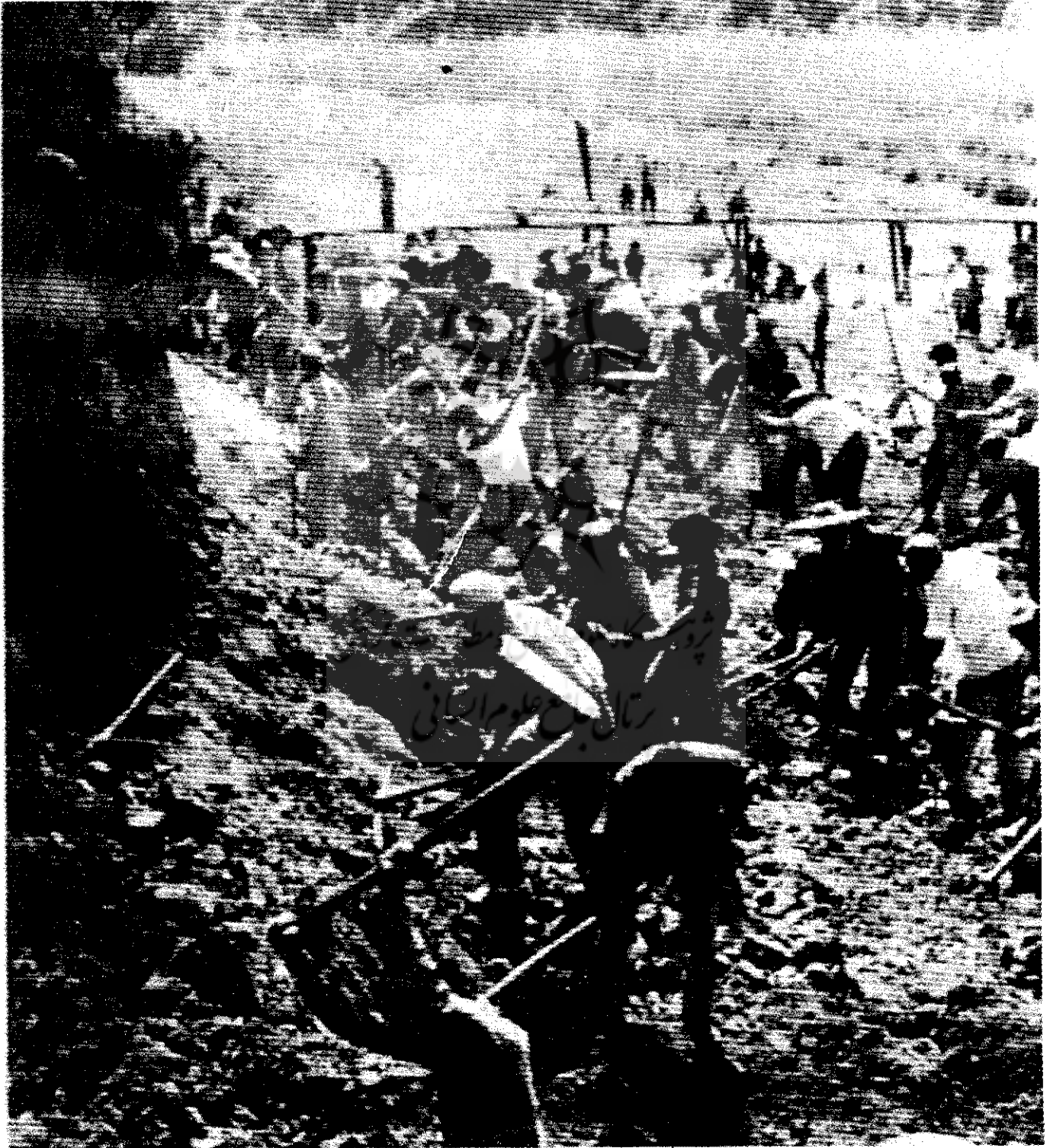


# نقد و بررسی الگوی توسعه در قانزایا



مقدمه:

آگاهی یافتن از تجارب کشورهای دیگر در زمینه توسعه می‌تواند برای دست‌اندرکاران این امر بسیار مفید و در بعضی موارد راهگشا باشد. مطلبی که در این شماره و شماره آینده از نظر خوانندگان خواهد گذشت از میان مجموعه‌ای از مقالات، تحلیلیها و بررسیهای مربوط به تلاشها و سیاستهای اعمال شده در کشور تانزانیا در زمینه توسعه همه‌جانبه آن با تأکید بر محوریت روستاها، انتخاب گردیده است. نحوه انتخاب مطلب نیز به این شکل بود که ابتدا مجموعه مقالات و مطالب موجود در باره تانزانیا ترجمه گردید و سپس سعی شد تا مقاله‌ای که در برگیرنده مسائل بگونه‌ای همه‌جانبه در رابطه با موضوع باشد انتخاب گردد.

یکبار دیگر یادآور می‌شویم که ترجمه و درج مقالاتی از صنایع خارجی و در ارتباط با موضوع توسعه و مسائل روستا و کشاورزی در مجله جهاد صرفاً به این خاطر است که خوانندگان عزیز بخصوص جهادگران با تلاشها، تجارب و اقدامات انجام شده در این زمینه در کشورهای دیگر آگاهی یابند و در جریان نظریات و دیدگاههای مختلف، و طرح و اجرای الگوهای توسعه در دیگر نقاط جهان قرار گیرند، و گرنه همانطور که برادر میرحسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی در مصاحبه خود با مجله جهاد که در همین شماره به چاپ رسیده است، اشاره کرده‌اند، ما باید برای کشور اسلامیمان، الگوی ویژه‌ای برای توسعه که مبتنی بر واقعیات و شرایط خاص خودمان و بر پایه ارزشها و ملاکها و معیارهای مکتب اسلام باشد را انتخاب نمائیم. اینک قبل از پرداختن به مطلب اصلی خوب است اطلاعات عمومی از کشور تانزانیا و موقعیت جغرافیائی و سیاسی آن کشور داشته باشیم:

جمهوری تانزانیا با ۹۴۵/۰۸۷ کیلومتر مربع وسعت در جنوب شرقی آفریقا در کنار اقیانوس هند واقع شده و در شمال با کشورهای کنیا و اوگاندا، در شمال غربی با رواندا و بوروندی، در غرب (از طریق دریاچه تانگانیکا) با زیمبر، در جنوب غربی با زامبیا و ملاوی و در جنوب با موزامبیک همسایه است. قسمت اعظم آن را فلاتها و کوهستانها پوشانده‌اند که تا حدودی آتشفشانی می‌باشند. جلگه‌های آن عمدتاً در کنارها واقع شده‌اند.

آب و هوای تانزانیا در نواحی مرتفع معتدل و در سایر نواحی گرم و پر روی هم مرطوب و پرباران است. بلندترین نقطه آن قله کیلیمانجارو (۵/۸۹۵ متر) و طولترین رود آن روفیجی نیز ۲۸۲ کیلومتر طول دارد.

جمعیت آن در سال ۱۹۷۹ بالغ بر ۱۷/۰۵۰/۰۰۰ نفر (چهل و یکمین کشور جهان) بوده و تراکم جمعیت ۱۸ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. ۷/۳٪ مردم کشور ساکن شهرها بوده و پرجمعیت‌ترین شهر آن (دارالسلام) حدود ۳٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد.

نژاد مردم اکثراً سیاه بوده و ۳۵٪ آنها مسلمان، ۳۵٪ مسیحی و ۳۰٪ آتمیست می‌باشند. زبانهای رسمی این کشور سواحلی و انگلیسی بوده و خط رایج لاتین است. پایتخت این کشور شهر دارالسلام و شهرهای پرجمعیت دیگر آن عبارتند از: زنگبار، دودوما، موانزا و آروشا. بنادر مهم تانزانیا دارالسلام و تانگها و هر دو در کنار اقیانوس

هند واقع شده‌اند. حکومت تانزانیا جمهوری فدراتیو بود و رئیس جمهور جولیس نایرره می‌باشد.

قوه مقننه از یک مجلس قانونگذاری به نام مجلس ملی با ۲۳۰ عضو تشکیل یافته که ۱۰۶ نفر آنان انتخابی و بقیه انتصابی می‌باشند. تانزانیا کشوری تک حزبی است «حزب اتحاد ملی آفریقائی تانگانیکا»

تانزانیا قبلاً شامل دو مستعمره انگلیس به نامهای تانگانیکا و زنگبار بود که اولی در سال ۱۹۶۱ و دومی در سال ۱۹۶۳ از قیومیت انگلستان آزاد و مستقل شدند و در سال ۱۹۶۴ تشکیل یک جمهوری متحد را به نام تانزانیا دادند.

در سال ۱۹۶۵ روابط تانزانیا با چین و کشورهای آفریقائی توسعه یافت و از همین سال برنامه‌های اقتصادی جدیدی بموقع اجرا گذارده شد.



**\* «نایرره» مساوات طلب است و در حقیقت در این رابطه تا حدودی ذهن‌گرا نیز هست. وی مساوات را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهان است. نقطه نظر وی از آزادی عبارت است از جامعه‌ای انسانی که در آن احدی به استثمار دیگری نمی‌پردازد. حکومت در ایجاد برابری در زمینه درآمدها و استا ندارد زندگی قاطعانه می‌کوشد که این خود به تأکید بر توسعه روستاها انجامیده است.**

**\* در بخشهای روستائی نیز بهبود درآمد قابل ملاحظه‌ای بوقوع پیوسته است. سیاست حداقل دستمزد روستائی قدرت کارگران کشاورزی و ساختمانی را تا حدود ۱۰۰٪ بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۴، افزایش بخشید. دولت برای کشاورز روستائی محصولات دارای سوبسید، بهداشت، آموزش و آب بهداشتی فراهم نموده است.**

این مقاله توسط ریچارد ان-بلو و جیمز اچ ویور به نگارش درآمده که نمایانگر بخشی از تلاش شورای کشاورزی بمنتظر بکارگیری برداشتهای نوین و دست‌یابی به نتایج تجربیات در زمینه روستاهاست. الگوی توسعه تانزانیا بویژه «برنامه عدم تمرکز مدیریت» و «توسعه مناطق روستائی» مدتها مورد بحث بوده است. امکان توسعه آفریقا از طریق روشها و راه‌حلهای بومی مورد تأیید قرار گرفته که در عین حال شدیداً از سوی جناحهای چپ و راست مورد انتقاد قرار گرفته است.

ریچارد ان-بلو مدیر برنامه مطالعات توسعه در دفتر ایالات متحده برای توسعه بین‌المللی است. جیمز اچ-ویور پروفیسور اقتصاد در دانشگاه آمریکائی واشنگتن دی‌سی است. مقاله آنان بعنوان (مقاله شماره ۱ برنامه مطالعات اقتصادی) نشر یافته است.

۱- مقدمه:

مقاله حاضر تحلیلی جامع و تحت تاثیر قرار گرفته از الگوی تانزانیاست و براساس دریافتهای ما بدنبال دیدارهای توأم با کارمان از تانزانیا تنظیم شده است. پیش از عزیمت به تانزانیا مطالعات وسیعی را در مورد این کشور انجام داده بودیم و بدیهی است افکارمان نشأت گرفته از این مطالعات بود. در عین حال این مقاله حاصل تحقیقات گسترده و یا تحلیلی مبسوط نمی‌باشد. باز هم خاطر نشان می‌گردد که مقاله تحت تاثیر مشاهدات به نگارش درآمده است و انعکاسی از نگرش ما به تانزانیا امروزی و حاصل گفت و شنود با بسیاری از مردم این کشور، استادان دانشگاه، مسئولین کمکهای خارجی، مقامات آمریکائی و جمعی دیگر است. بی‌آنکه وانمود کنیم دانشمندان ارزشمند علوم اجتماعی هستیم، تحت تاثیر تلاشی که در تانزانیا جریان دارد، قرار گرفتیم. طی این مقاله دریافتهایم که رئیس جمهور نایرره از جمله خلاق‌ترین متفکران جهان در زمینه توسعه است. ما بر این عقیده هستیم که تلاش در جهت ساخت جامعه‌ای کشاورزی، سوسیالیستی، بر مبنای عدالت و برابری، متشکل از شهر و روستا، جامعه‌ای دمکراتیک و بر پایه مشارکت مردم و جامعه‌ای که رهائی بشر را والاترین ارزشها می‌داند، از مهمترین تجربیات جهان امروز است.

درواقع الگوی جامعه تانزانیا در برخی جهات از نمونه چینی آن تاثیر برانگیزتر است. زیرا اگرچه تانزانیا در مقایسه با چین موفقیت کمتری را در زمینه اقتصادی کسب نموده است، لکن در الگوی حکومتی تانزانیا عنصر شایستگی سیاسی و آزادیهای فردی در ابعاد وسیعتری بچشم می‌خورد. این الگو از اهمیت بارز در آفریقا برخوردار بوده و نایرره مورد احترام تمامی

## قاره افریقا تانزانیا



ملل این قاره است. بعبارت دیگر، امروز وی قابل احترامترین مرد آفریقا است، تا بدانجا که تصور می‌شود حتی دشمنان آفریقا نهنانی امید موفقیت الگوی تانزانیا را در دل می‌پروراند. گوئی قصد آن دارند که به جهانیان ثابت نمایند که یک الگوی توسعه بارهبری و مسئولیت آفریقائیان امکان‌پذیر است.

به تصور ما این الگو دارای کار برد وسیعتری فراتر از قاره آفریقا را داراست و نهایتاً در زمینه اعتلاء و تکامل از اهمیت برخوردار است، بویژه با در نظر گرفته این حقیقت که بشر بهر طریق می‌باید تکامل یابد و در یک نظام منطقی از نقطه نظر اکولوژیکی و روابط انسانی یا همنوعان زیست نماید.

ما در پی دستیابی به دستاوردهای این تجربه بوده‌ایم و سعی در حفظ امانت در حقایق کرده و اجازه داده‌ایم حقایق خود بازگو کننده خویش باشند. با این وجود بر اهمیت می‌دانیم قضاوت‌های خویش را در آغاز بیان کنیم تا خواننده قادر باشد آنها را در ارزیابی نتایج ما محک زند.

### ۲- تاریخچه

مناسبتین توصیف تانزانیا در آغاز، نگرش به ۷ گروه، بنیان اکولوژیکی، تکنولوژی، اقتصاد و نهادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حکومتی است. گروه‌های مزبور فعالانه در یکدیگر تاثیر گذارده و باعث بروز تغییر می‌گردند. از لحاظ تاریخی روابط میان منابع، تکنولوژی و نهادهای اقتصادی، عوامل کلیدی بروز تحول بشمار می‌روند. آنچه که در رابطه با تانزانیا جالب می‌نماید، همانا تلاش آگاهانه جهت تغییر بنیانی آن الگوی تاریخی از طریق ایجاد تغییرات نهادی بعنوان عامل عمده تحول اجتماعی است.

## نظام اکولوژیکی

منابع فیزیکی برای توسعه تانزانیا عبارت بوده‌اند از زمین لم یزرع و بادهای سوزان، با وجود دارا بودن سرزمین بوسعت ۳۶۵۰۰۰ مایل مربع، تنها ۶۰٪ از آن قابل کشاورزی است و قسمت اعظم این سرزمین نیز بعلت وجود پشه تسه تسه، غیر قابل سکونی است. هیچگونه شاهدهی دال بر وجود منابع معدنی لازم جهت صنعتی شدن کشور به چشم نمی‌خورد، در حالیکه چینی‌ها اخیراً دست به توسعه معادن ذغال سنگ و سنگ آهن زده‌اند. نقصان بارندگی از معضلات تاریخی کشور بشمار می‌رود و بر باد رفتن پوشش خاک از مشکلات برخی مناطق کشور است. راه آهن نوین تانزانیا موسوم به (تاترام) درهای توسعه معدنی و کشاورزی را بروی تمامی مناطق کشور گشوده است. امکانات فراوانی جهت احداث سد و نیز ماهیگیری در دریاچه‌های متعدد کشور وجود دارد که عمده‌تاً دست نخورده باقی مانده است.

### تکنولوژی

تحت سیطره استعمار، کشور شاهد تحولات تکنولوژیکی چندانی نبوده است. گیاهان تجارتي همچون کف، پنبه، جای، قهوه و غیره از زمینهای فوق‌العاده مستعد کاشت می‌شده و تولید آنها عمدتاً در مزارع وسیع متعلق به تبعید شدگان انجام می‌گرفته که غالباً فاقد تکنولوژی تولید نوین بوده‌اند. این مزارع عمدتاً در هم ادغام بوده و تاثیرات اندکی بر کشاورزی به شیوه سنتی داشته است. کشاورزی سنتی در زمان استقلال و حتی هم اکنون نیز بصورت کار دسته جمعی خانوادگی بر روی زمین، شخم زنی دستی، کاشت برای معاش با استفاده از بذرهای اصلاح نشده و عملیات کشاورزی سنتی انجام می‌گرفته است. هم‌کنون نیز هیچگونه بذرغلات بومی جدید با بهره‌دهی بالا مورد شناسائی قرار نگرفته و ذرت سرزمینهای علیا استثناء است.

### نهادهای اقتصادی

#### نیروی کار:

تانزانیا در زمان کسب استقلال به سال ۱۹۶۱ دارای ده میلیون نفر جمعیت بوده است. رشد جمعیت سالانه ۳٪ است و جمعیت در سال ۱۹۷۵، ۱۵ میلیون نفر بوده است. قریب به ۹۰٪ جمعیت، در مناطق روستائی زیست می‌کنند و به کشاورزی اشتغال دارند. طول متوسط عمر ۴۷ سال است و مرگ و میر بین نوزادان ۱۵۰ نفر در هزار نفر است. ۸۵٪ جمعیت بیسواد بوده و در سال ۱۹۶۴، زمانی که اولین برنامه پنجساله آغاز گردید، کشور دارای تنها ۶۳۰ دبیر دبیرستانی بود که فقط ۲۰ نفر از آنان از اهالی تانزانیا بوده‌اند. بدیهی است در سال ۱۹۶۱ کشور هنوز فاقد

دانشگاه است. سه چهارم کارکنان جزء و متوسط اداری در سال ۱۹۶۱ از تبعید شدگان (۱) بوده‌اند. سرمایه:

در سال ۱۹۶۱ سرمایه تولیدی، بخش کوچکی را در کشور تشکیل می‌داده است. شبکه ارتباطی مطابق الگوی سنتی استعمار (و ابتدا راه آهن) بوجود آمده و هدف آن خارج نمودن محصول اضافی از داخل کشور و حمل آن به بنادر و آنجا به کشور مالک مستعمره بوده است. کشور آلمان تا سال ۱۹۱۹ و از آن پس انگلستان به این امر اشتغال داشته‌اند.

### تجارت و صادرات

اروپائیان بر تمامی بخشهای تجارت و صنایع عمده تسلط داشته و تجارت خرده‌پا در دست آسیائیه‌ها قرار داشت و تجارت محلی تحت فشار و اضمحلال قرار داشت.

تانزانیا صادر کننده محصولات اولیه است، در سال ۱۹۷۳ صادرات قهوه ۷۰ میلیون، پنبه ۴۷ میلیون و الماس ۲۳ میلیون دلار بوده است. مجموع صادرات در سال ۱۹۷۵ معادل ۳۶۸ میلیون دلار بوده که از این میزان، ۲۷٪ به کشورهای اروپائی، ۱۹٪ به کشورهای آفریقائی، ۸٪ به ایالات متحده، ۷٪ به کشورهای کمونیست و ۳۹٪ به بقیه نقاط جهان صادر شده است.

جهانگردی یکی از منابع افزایش درآمدهای ارزی بشمار می‌رود. قله کلیمانجارو، جلگه سرنگتی و آتشفشان فگورو گورواز مشهورترین جاذبه‌های جهانگردی قاره آفریقا محسوب می‌شوند. با این وجود تانزانیا تا زمان حاضر نسبت به جهانگردی سیاستهای متضادی اتخاذ نموده است. پس از سرمایه‌گذاری سنگین و اساسی در زمینه هتلها و فرودگاه کلیما نجارود در دهه ۱۹۶۰، سیاست دولت نسبت به جهانگردی تغییر یافت. نایره اظهار کرده است که تمایل ندارد جهانگردان ثروتمند، پول و مکننت خود را در مقابل ملت وی به نمایش در آورند و در این زمان زمین مسلمان مسلمان است.

تانزانیا در قالب پیشخدمتها و باربرهای آمریائیان و اروپائیان ثروتمند در آیند. از اینرو یکی از منابع بالقوه تأمین ارز از طریق اتخاذ سیاستی مدبرانه و آگاهانه توسط حکومت رو به کاهش نهاده است (۲).

با در نظر گرفتن تمامی این منابع درآمد، رقم ۱۳۰ دلار در آمد سرانه سالانه در سال ۱۹۷۵ بدست آمد و این مفهومی ندارد جز آنکه تانزانیا یکی از فقیرترین ملل جهان است. بر اساس محاسبات سازمان ملل، تانزانیا شدیدترین لطمات را بر اثر افزایش بهای نفت در سال ۱۹۷۳ متحمل شد. درآمد سرانه به میزان ۴/۴٪ در سال بین سالهای



گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

توسعه تانزانیا دچار آشفتگی است. برخی اظهار می کنند که مذهب عمدتاً نیروی محافظه کاری است که حرکت به سمت سوسیالیسم را به کندی می برد، لکن این تأثیر عمده نیست. در عین حال دیگران خاطر نشان می کنند ه بسیاری از رهبران پیشرو تانزانیا از تحصیلات مدارس میسیونری برخوردار بوده اند.

#### نظام قبیله ای:

در مقایسه با قبیله کی کویا در کنیا، این مسئله که تانزانیا فاقد قبیله ای پر قدرت و مسلط است به سعادت و نیکبختی این کشور کمک شایسته ای نموده است. اگرچه از قبیله شاگاس در قسمتهای شمالی تانزانیا بعنوان متجاوزترین گروه قبایل، نام برده می شود، نظام قبیله ای هیچگاه عامل عمده افتراق سیاسی کشور نبوده است.

گردیده اند، علیهذا آنان فعالانه در امور سیاسی مشارکت کرده و آگاهی سیاسی در بین آنان رو به افزایش است. تانوا تنها نهاد غیرحکومتی است که سعی در پیوند دادن روستائیان به اتحاد ملت را دارد. این نهاد از اهمیت ویژه ای در جهت حفظ یکپارچگی ملت برخوردار است.

#### مذهب:

تعیین درصد تعلق جمعیت تانزانیا به ادیان مختلف دشوار است. برخی گزارشها حاکی از آنست که اکثریت مردم مسلمان اند، لکن میزان درک و اجرای قوانین اسلامی در بین آنها متفاوت است. غیر مسلمانان از مسیحیها و سایر گروهها تشکیل می شوند. در سرزمین های علیای کشور دسترسی به مدارس میسیونهای مسیحی عامل عمده ای در پیشبرد سوادآموزی و استفاده از امکانات شغلی محسوب می شد. نقش ارزشهای مذهبی در

۶۵-۱۹۶۰، ۶/۷٪ بین سالهای ۷۴-۱۹۷۰ افزایش یافته است. نرخ رشد بطور مشخص طی خشکسالی بین سالهای ۷۵-۱۹۷۳ رو به کاهش نهاد.

#### نهادهای سیاسی:

تانزانیا کشوری تک حزبی است و تانوا (اتحادیه ملی تانزانیان آفریقائی) - مبارزات استقلال را رهبری نمود و از زمان استقلال تاکنون در حیات سیاسی کشور سهمیم بوده است. (۳)

پیش از هر دوره انتخابات و درون حزب، رقابت چشمگیری بر سر بدست گرفتن مواضع رهبری وجود دارد. طی انتخابات سال ۱۹۶۵ قریب به یک سوم اعضای مجلس از کار برکنار شدند که در میان آنان چند عضو کابینه نیز بچشم می خوردند. این روند در انتخابات ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ نیز ادامه یافت. علیرغم آنکه تانزانیاییها ملتی تحت فشار توصیف

## طبقات اجتماعی:

بطور سنتی اروپائیان بر مواضع پر قدرت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور تسلط داشته‌اند. از زمان استقلال، اکثر زمینها، تجارت و نهادهای بانکی ملی شده‌اند، لکن بسیاری از اروپائیان باقیمانده و آشکارا در جامعه اعمال نفوذ نمودند. آسیائیا و بویژه هندیان به واسطه تسلط خویش بر تجارت از مواضع چنانچه در اقتصاد کشور برخوردار بودند. ملت تانزانیا از دو طریق به قدرت دست یافت، در دست گرفتن بوروکراسی دولتی و دیگری مداخله موفقیت‌آمیز در کشاورزی تجاری بویژه صادرات در محصولات کشاورزی امروزه طبقه سیاسی مسلط جامعه در قالب مدیران حکومتی و ماوراء دولتی (واحدهای نیمه مختار و حکومتی دره تنسی) ظهور می‌کند که به تحصیلات عالی و مهارت‌های نادر فنی و مدیریت دست یافته‌اند. ارتش نقش نامشخص، لکن کاملاً مطیع را در جامعه ایفا می‌کند. (آنچه باید متذکر شد که در محیط ناامن آفریقای جنوب شرقی انتظار می‌رود هزینه‌های دفاعی تانزانیا به میزان قابل توجهی افزایش یابد). بنظر می‌رسد این حقیقت که طبقه برگزیده عمدتاً از اروپائیان تشکیل می‌شده، روند عظیم توزیع مجدد و تحول در جامعه را در مقایسه با جوامع دیگر سهولت بیشتری بخشیده است. پس از استقلال، تصاحب سرزمینها و تجارت اروپائیان در مقایسه با اینکه چنانچه صاحبان این منابع تانزانیایی بودند، ساده‌تر می‌نمود. از اینرو گذار به سوسیالیسم در تانزانیا تا به امروز عمدتاً مسالمت‌آمیز بوده است.

## ساختار اداری کشور:

بر خلاف آنچه که در چین، موزامبیک، ویتنام شمالی و دیگر کشورها روی داد، از آنجا که در تانزانیا استقلال از راههای صلح‌آمیز بدست آمد، از اینرو حکومتی انقلابی جایگزین نظام گذشته نگردید. بعبارت دیگر تانزانیا وارث ساختار اداری استعماری، نظام آموزشی، نهادهای بهداشتی و مالیاتهای استعماری و غیره بوده که همگی بمنظور دستیابی به اهداف استعمار و و تداوم بخشیدن به آن طراحی شده بودند. از آنجا که الگوهای جایگزینی بوجود نیامد، لذا تانزانیا به نهادهای استعماری موجود تمسک جست و سعی در بسط و توسعه آنها بمنظور ایجاد مدارس بیشتر از همان نمونه گذشته، ساختن بیمارستانهای متعدد و غیره نمود. در آغاز این پرسش مطرح شد که آیا اصولاً این نظام آموزشی و یا خدمات بهداشتی برای تانزانیا مناسب است یا نه؟ بطوری که ناپرسیده در مصاحبه اخیر خویش در موزامبیک اظهار نموده، تانزانیائیا فکرمی کردند که: «هم اکنون انجام کارهایی که پیش از این

در اختیار سفیدپوستان بوده، توسط سیاهپوستان، از مهمترین وظایف است. جدال برای استقلال نیازی به تحویل بنیادی در شیوه تفکر نداشته و علاوه بر این خود تجربه انقلابی نیز نبوده است.»

تحول بنیادی در طرز فکر که ناپرسیده بدان اشاره می‌کند، پس از دستیابی به استقلال بتدریج مکان خویش را باز یافته است. شیوه تفکر جدید عمدتاً در دو گروه از اسناد تجسم می‌یابد: اعلامیه آروشا در سال ۱۹۶۷ و اعلامیه فونگوزو در سال ۱۹۷۱.

## ۳- اهداف الگوی تانزانیا

تانزانیا تحت رهبری ناپرسیده، سعی در برپا کردن جامعه‌ای است که طی آن بر مشکلات و مسائل موجود در جوامع نوین یاد راجال رشد، بدون در نظر گرفتن نظام حاکم بر آنها (سوسیالیستی یا سرمایه‌داری)، فائق آید. تانزانیا ارائه‌دهنده تجربه‌ای در خشان در بازسازی روابط و ارزشهای انسانی است که نظیر آن تنها در جمهوری خلق چین، در ابعاد که نه در اهداف پدید آمده است.



تانزانیا امید دارد در اتخاذ شیوه سوسیالیستی به رشد و برابری توأماً دست یابد. پذیرفتن این امر که یک الگوی توسعه بعنوان ضرورتی تاریخی به قربانی کردن توزیع عادلانه ثروت به پای رشد اقتصادی می‌انجامد، ناخوشایند است.

ناپرسیده و حزب تانو از این برداشت که سوسیالیسم به سهولت از کاراترین ابزار بوجود آوردن استاندارد عالی مادی سطح زندگی در یک جامعه توسعه یافته صنعتی است، دوری جستند. آنان تاحدودی به پیشبرد الگویی از نظم اقتصادی متکی بر یک جامعه کشاورزی مبادرت ورزیده و طی آن محدودیت‌هایی فراروی انباشت ثروت مادی و در عین حال توانا برای ایجاد سطح مطلوب موجودیت مادی کلیه آحاد ملت، دست یازیده‌اند. آنها امید این دارند که از بروز طبقات اجتماعی و الگوهای مبتنی بر فرودیت در جهت تمایز میان برگزیدگان و توده مردم، جلوگیری بعمل آورند. دیدگاه آنان از جامعه نوین، مکانی برای برگزیدگان سرمایه و طبقات ممتاز متکی بر قدرت بوروکراسی دولتی، بر جای ننهاده است. در عوض، ایدئولوژی تانو بروز یک نظام اجتماعی و سیاسی مبتنی بر اخلاق، توده و انگیزه‌های مادی منتهی به برابری، آزادی و رفاه الزامی و مادی برای تمامی مردم را پیش‌بینی می‌کند.

دوسند ویژه، اعلامیه آروشا و رهنمودهای فونگوزو، بگونه‌ای گسترده بر این دیدگاه اشارت دارند (۴). اعلامیه آروشا در سال ۱۹۶۷ حاوی دوشی استراتژیک عمده در جهت دستیابی به اهداف یاد شده بالا بود. نخست آنکه مالکیت خصوصی جای خود را به مالکیت دولتی خواهد داد. دوم، مالکیت اشتراکی و کنترل بر تولید کشاورزی در چهار چوب طرح دهکده یوجاما، جایگزین مالکیت خصوصی در امر کشاورزی خواهد شد. رهبری فونگوزو در تشریح مسئله کنترل و اداره امور جامعه از اعلامیه آروشا پافراتر می‌نهد. رهنمودهای فونگوزا عمدتاً مبین تحول در رهبری جامعه از فردگرایی به مدیریت و اداره اشتراکی (جمعی) سیاسی، حکومتی، صنعتی و کشاورزی کشور است. این تحول در قالب مشارکت در مسئولیتهای مدیریتی توسط رهبران بوروکراسی و منتخبان سیاسی، شوراهای کارگری و شرکت فعالانه دهقانان خرده‌بیا در طرح و اجرای توسعه روستا و کشاورزی، تبلور می‌یابد. از سوی دیگر تحول یاد شده به تشکیل گروههای شبه نظامی خلقی انجامید که در آغاز به انگیزه

یاری ارتش در دفاع از حیات ملی بوجود آمد و سپس بصورت فرصتی استثنائی برای حزب ناتو بمنظور دستیابی به آگاهی سیاسی جوانان تانزانیا راه خویش را پیمود. در مرحله

سوم، رهنمودها دیدگاهی از توسعه را ارائه می‌دهند که فراسوی گسترش توان تولیدی و ایجاد نهادهای نوین قرار دارد. پراهمیت‌ترین چهره توسعه، گسترش آگاهی سیاسی به سمت آزادی، استقلال فردی و مسئولیت است. تمامی این جنبه‌ها بیانگر انقلابی در دیدگاه‌هاست که امید می‌رود به پدیداری جامعه‌ای واقعاً دموکراتیک بیانجامد. اهداف بلند مدت تانزانیا طرح‌ریزی شده و احتمالاً برای آینده قابل پیش‌بینی بهمان صورت باقی خواهند ماند. این اهداف عمیقاً در دو واژه سوسیالیسم و خودکفائی خلاصه می‌شوند. سوسیالیسم تانزانیا به مفهوم دستیابی به برابری و مشارکت همگانی است. عدالت اجتماعی بعنوان هدف به اجزاء مختلفی از قبیل مالکیت اموال، توزیع درآمد حاصل از کار و توزیع خدمات تقسیم می‌گردد. هدف، دستیابی به برابری در تمامی زمینه‌هاست، بدون در نظر گرفتن محل اقامت افراد، شهری یا روستائی بودن مناطق، فقیر یا غنی بودن ناحیه، خردی یا کلانی وظیفه و یادستجعی و یا خصوصی بودن مسئولیت. افزون بر آن ملت تانزانیا در پی رسیدن به برابری میان نسل‌هاست، به نحویکه هیچ نسلی قربانی بهتر زیستن نسل دیگر نگردد.

دومین هدف از مشارکت عمومی خود دارای ابعاد «گونگونی» است و مبین مفهوم وسیعتری از برداشت سنتی «دموکراسی سیاسی» است که طی آن مسئله انتخاب فرد برای حکومت و قابلیت تنفیذ تصمیمات سیاسی مطرح است.

روند انقلابی تانزانیا مشارکت به مفهوم دموکراسی سیاسی سنتی و مشارکت در اتخاذ تصمیمات در کارگاه است. مشارکت به مفهوم خود مدیریت کارگران در کارخانه‌ها و مزارع، به مفهوم روابط نوین و برابر میان مدیران و کارگران و به مفهوم روابط نوین میان افراد برپایه تواضع و نه تمایز است.

سومین هدف، خودکفائی است که به مفهوم تولید قابل انعطاف کالاها و دستمزدی و مواد خام حیاتی است. بعبارت دیگر ایجاد توزانی منطقی میان توانائی تولید و مصرف کالاها و اساسی، یادارابودن حداقل عدم توازن خارجی، یعنی توانائی واردات از طریق صادرات به نحویکه به حداقل سرمایه‌های جاری جهت سرمایه گذاری در امر واردات دست یافت. سخن کوتاه حکومت در پی کسب توانائی و ظرفیت تدارک غذا، آب، لباس، مسکن و آموزش برای مردم است.

ملت تانزانیا اهداف بلند مدت یاد شده را از طریق مداخله فعال حکومت، برگزیده است. ملی کردن سرمایه‌های تولیدی، احداث دهکده‌های موسوم به یوجاما، و دیگر جنبه‌های الگوی حکومتی تانزانیا ابزار

دستیابی به برابری، مشارکت و خودکفائی بشمار می‌روند.

شکل گیری اهداف ملت تانزانیا تضادهائی رانیز دربر دارد، تضاد میان عدالت اجتماعی و رشد سریع اقتصادی که در سایه خودکفائی دنبال می‌شود، تضاد میان رشد و مشارکت همگانی. تلاش ملت تانزانیا در دستیابی به این اهداف گاه متضاد رami بایست طی دوره‌ای تطبیقی و

تاریخی از زمان مشاهده نمود.

کشور تانزانیا هم‌اکنون نیز عمدتاً از یک اقتصاد معیشتی برخوردار است. تقسیم کار و تخصص در مراحل ابتدائی خویش بسر می‌برند. گسترش تقسیم کار و ایجاد تخصص مستلزم روش‌های مشوق است که بخش یاز آن را ماهیت مالی امر تشکیل می‌دهد. تقسیم و تخصصی نمودن کار باعث بروز رشد می‌گردد که این نیز بنوبه خود به عدم برابری و بروز بن‌بست منتهی خواهد شد.



۴- تانزانیا در دستیابی به عدالت اجتماعی، مشارکت همگانی و خودکفائی تا چه حد موفق بوده است؟

نایره طی قریب به بیست سال ریاست جمهوری در تانزانیا به تشکیل حزبی وسیع و قابلیت‌های رهبری مؤثر همت گماشته است. حزب تانو پرنفوذترین نهاد کشور است که فعلاً نه با ملت تانزانیا در تمام سطوح مشارکت و همکاری دارد. در اطراف نایره افراد موفق متعددی پدید آمده‌اند لکن دسته‌بندی‌هایی نیز در داخل حزب وجود دارد. یک ناظر سیاسی این دسته‌بندیها را به ایدئولوگها، فرصت‌طلبها و پراگماتیستها تقسیم نموده است. حزب تانو از انضباط عالی برخوردار نیست و به گونه حزب کمونیست چین، حزبی پیشتاز نیز نمی‌باشد. معهدا، تانو محلی مؤثر در سه تاجرک درآوردن مردم و مرتبط‌ساختن خواستهای توده‌ها و رهبری است.

«نایره» مساوات‌طلب است و درحقیقت دراین رابطه تا حدودی ذهن‌گرا نیز هست. وی مساوات را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی

و اجتماعی خواهان است. نقطه‌نظر وی از آزادی عبارت است از جامعه‌ای انسانی که در آن احدی به استثمار دیگری نمی‌پردازد. حکومت در ایجاد برابری در زمینه درآمدها و استاندارد زندگی قاطعانه می‌کوشد که این خود به تأکید بر توسعه روستاها انجامیده است. بانک جهانی طی یک بررسی پی برد که درسال ۱۹۶۹، درآمد متوسط شهری معادل ۱۳۰٪ متوسط درآمد روستائی بوده و درسال ۱۹۷۳ این رقم به ۱۹۰٪ رسیده است. بدنبال دستیابی حکومت به این اطلاعات تحولات

چندی در خط و مشی بوجود آمد.

بهاء اقلام کشاورزی (که طی چندین سال ثابت نگاه داشته شد و بطور قابل ملاحظه‌ای پائین‌تر از قیمت بازار جهانی بود)، افزایش چشمگیری یافت و دراختیار مصرف‌کننده شهری قرار گرفت. اکنون دیگر فرآورده‌های روستا با بهاء ناچیز به شهرنشینان عرضه نمیشد. طی مدت ۱۸ ماه، شاخص شهر و روستا از ۱۹۰٪ به ۱۳۰٪ تنزل یافت.

کشور تانزانیا سیاستهای برابری جویانه میان بخشهای مختلف شهری و روستائی و نیز میان این دو را نیز دنبال نموده است (۵). اقداماتی در زمینه کاهش شکاف بین حقوق- دستمزد در مراکز شهری انجام گرفت که از آنجمله است، تثبیت میزان دستمزد درسال ۱۹۶۶ برای پردرآمدترین گروه، تحمیل حداقل دستمزد، محدود کردن مزایای شغلی و جدول مالیاتی تصاعدی و مالیات بر کالاها و تجملی را می‌توان نام برد. این تلاشها به کاهش تفاوت درآمد از ۷۰ به ۱ درسال ۱۹۶۱، به ۱۵ به ۱ درسال ۱۹۷۴ انجامید. این رقم پس از کمر مالیات هنوز هم کاهش یافته، به گونه‌ای که هم‌اکنون بصورت ۹ به ۱ است.

حداقل دستمزد در شهر به ۲۵۰٪ بصورت نقدی و در حدود ۱۰۰٪ بصورت قدرت خرید واقعی بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۴ افزایش یافته است. طی دهه ۱۹۷۰، قدرت خرید نیمه فقیرترین کارگران شهری در مقایسه با نیمه‌مرفه‌تر افزایش یافت. آقای رینالد گرین افزایش تقاضا برای گوشت، شکر، گندم، آرد و کفشهای ارزان قیمت را شاهدهی بر بهبود قدرت خرید گروههای کم‌درآمد می‌شمارد.

در بخشهای روستائی نیز بهبود درآمد قابل ملاحظه‌ای بوقوع پیوسته است. سیاست حداقل دستمزد روستائی قدرت خرید کارگران کشاورزی و ساختمانی را تا حدود ۱۰۰٪ بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۴، افزایش بخشید. دولت برای کشاورز روستائی محصولات دارای سوپسید، بهداشت، آموزش و آب بهداشتی فراهم نموده است.

برداشت کلی ما چنین است که تلاش در جهت عدالت اجتماعی موفقیت‌آمیز بوده است.

## نقد و بررسی الگوی توسعه در تانزا

فقر مطلق و نابرابریهای عمده در بین کارگران بخش‌های شهری و روستایی کاهش یافته است. علاوه بر این باید توجه داشت که اقدامات در زمینه ایجاد برابری در درآمد و رفاه دارای گستردگی وسیعی است. این اقدامات در بافت سیاسی و اقتصادی تانزانیا اجنبی شده‌اند. از نقطه نظر توزیع درآمد، لازم است نظر شخصی خویش را نیز بازگو کنیم. در مقایسه با سایر کشورهای توسعه نیافته آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، جائیکه ما به دیدن توده‌های مردم فقیر و گرسنه در مناطق شهری و روستایی مانوس بوده‌ایم، نکته تکان‌دهنده در مورد تانزانیا عدم وجود یک چنین مردمی است. در گشتهای آزادانه خویش، همه جا مردم را مرفه و خوش‌لباس یافتیم. تعداد محدودی گدا در خیابانهای شهر بچشم می‌خورد، لکن اثری از کودکان کم‌سن و سال با شکمهای آماس کرده و دندانهای نمایان، در شهر و روستا وجود نداشت. از محلات کثیف و پر جمعیت اثری نبود و مشاهده کردیم که قریب به تمامی کودکان دبستانی دارای لباس متحدالشکل هستند.

در عوض تقریباً اثری از کالاهای لوکس بچشم نمی‌خورد. تعداد محدودی اتومبیل وجود دارد و مواد غذایی تجملی و لوکس بندرت یافت می‌شود. هتل کلیمانجارو از معدود اماکنی است در پایتخت که در آن تجملات دیده می‌شود. جاده منتهی به فرودگاه سالهاست که پر دست‌انداز است. ملت تانزانیا برابری در درآمد را درک می‌کند، که همانا دسترسی همگان به مایحتاج اساسی است لکن طی آن اغنیا بسیاری از تجملات خویش را از دست می‌دهند. نمونه تانزانیا برآستی با آنچه در کنیا، هند، جمهوری دومینیکن و جامائیکا دیده می‌شود، متضاد است. به عقیده ما تانزانیا در دستیابی به عدالت و برابری نسبتاً موفق بوده لکن در زمینه رشد توفیق کمتری داشته است. حکومت تانزانیا استوار و سخت پایبند است و در زمینه کسب توسعه و رشد سریع اقتصادی بسیار جدی است. لکن آن رشد اقتصادی که به موازات حفظ برابری و عدالت اجتماعی بدست آید. حکومت به وضوح سوسیالیستی است و خواهان کنترل امور مهم اقتصادی، متعهد به مشارکت دمکراتیک در دهات و کارخانه‌ها، مزارع دولتی و کارخانجات کوچک است. علاوه بر این حکومت خواهان خودکفائی و تا حدودی بی‌نیاز از اقتصاد جهانی است.

تفکر ایجاد نظم نوین اقتصاد بین‌المللی بطور جدی توسط ملت تانزانیا دنبال میشود. بحران نفتی دهه ۱۹۷۰، اقتصاد تانزانیا را عمیقاً زیر ضربه قرار داد که طی آن قادر به حفظ خویش در قبال شرایط وخیم تجارت خود نبودند. همچنین از ورود تورم بهمراه سعود نجومی قیمت واردات به کشور خویش نتوانستند مخالفت بعمل آورند. اقتصاد کشور از سالهای ۶۸-۱۹۶۷، علیرغم افزایش روز افزون پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، هنوز جان نگرفته است. میزان تشکیل سرمایه سالانه از ۸۰۷ میلیون شلینگ تانزانیا (۵) در سال ۱۹۶۴ به ۸/۶۱۹ میلیون شلینگ در سال ۱۹۷۱ با در نظر گرفتن قیمت‌های ثابت، افزایش یافت. از اینرو درصد سرمایه‌گذاری از ۱۴٪ در سال بین سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۷۴ بوده است. در عین حال این نرخ قابل توجه عملکردهای واقعی اقتصاد را تحت‌الشعاع قرار داد. بخشهای عمده تولیدی دارای آهنگ رشد مشابه نبودند. تولید کشاورزی بین سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۷۴ تنها ۲/۶٪ در سال افزایش داشت که اندکی کمتر از نرخ رشد جمعیت بوده است. از اینرو بازده سرانه تولیدات کشاورزی عملاً رو به کاهش نهاد.

رشد عمدتاً در افزایش خدمات تجلی می‌گردد. اداره امور همگانی و سایر خدمات از ۶۵۸ میلیون شلینگ تانزانیا در سال ۱۹۶۵ به ۱۲۹۴ شلینگ در سال ۱۹۷۴ (با نرخ ثابت برای دلار)، افزایش یافت، این افزایش بصورت افزایش ۱۰/۹٪ درآمد ملی در سال ۱۹۶۷ به ۱۶٪ در سال ۱۹۷۵ انعکاس یافت.

یکی از دلایل آشکار کندی رشد در بخشهای کشاورزی و صنعت، میزان قلیل سرمایه‌گذاری از فعالیتهای تولیدی مستقیم است. بخشهای کشاورزی، صنعت و معدن تنها ۲۴٪ از سرمایه‌گذاری ثابت را طی دوره ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۲ بخود اختصاص داد. علاوه بر نرخ رشد اندک در زمینه سرمایه‌گذاری فعالیتهای تولیدی، افزایش تولید نیز نرخ پائینی را دارا بود.

بین سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، بازده سرانه کشاورزی ثابت بوده است. تولید سرانه در بخش صنایع از ۱۸۰۷۱ شلینگ تانزانیا به ۱۶۵۴۰ شلینگ بین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۴ سقوط نمود.

اینها پیشینه قابل بررسی در زمینه عقب ماندگی جدی اخیر بوده است، بین سالهای ۷۵-۱۹۷۳ کشور تانزانیا تحت هجوم مجموعه‌ای از خشکسالی، صعود قیمت نفت و رکود جهانی بوده است. طی سالهای ۷۴-۱۹۷۳ تولید غلات بومی به میزان ۳۰٪ کاهش یافت. حتی تا سال ۱۹۷۶، تولید

غلات تنها تا سطح تولیدات سال ۱۹۷۳، بهبود یافت. سال ۱۹۷۲، تانزانیا ۱۰۸۶ تن نفت به ارزش ۲۶۹ میلیون شلینگ تانزانیا، صادر نمود. در سال ۱۹۷۵ میزان کمتری نفت به ارزش ۷۰۳ میلیون شلینگ صادر کرد. در عین حال بهاء اقلام وارداتی نظیر مواد خام ضروری، قطعات یدکی، مواد غذایی و سایر اقلام کماکان رو به صعود بودند.

در نتیجه عوامل یاد شده کلیه بخشهای اقتصاد دستخوش عدم یکپارچگی گردید. کسری موازنه در زمینه تجارت کالاها و خدمات از ۷۸۹ میلیون شلینگ در سال ۱۹۷۳ به ۲/۷۴۲ میلیون در سال ۱۹۷۵ افزایش یافت. پیامد دوم این امر افزایش سریع هزینه زندگی در ازای افزایش بهاء اقلام وارداتی بود. شاخص هزینه زندگی برای دستمزد بگیران شهری بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ از ۸۲/۱ به ۱۲۰/۱ افزایش یافت (سال ۱۹۶۹ برابر ۱۰۰) در هر حال این شاخص بین ژانویه سال ۷۴ و ژانویه سال بعد ۶۱٪ افزایش یافت و تا ژانویه سال ۷۶ نیز ۳۲٪ دیگر به آن افزوده شد.

عدم هماهنگی درآمدهای دولت با اقلام پرداختی جهت کالاهای وارداتی که علاوه بر آن حکومت سعی بر کاهش هزینه در جهت پائین نگاه داشتن تورم نیز بود و عدم بهره‌برداری از ظرفیت صنعتی کشور، دو پیامد دیگر خشکسالی و رکود جهانی محسوب می‌شدند. طی این روند کارخانجات از دریافت لوازم یدکی وارداتی ضروری و مواد خام لازم محروم ماندند. انعکاس این مشکلات و اثرات آن فوق‌العاده شدید بود. آن زمان که کسری موازنه پرداخت بروز نمود، دولت محدودیتهای اکییدی را بر ورود کالاهای غیر ضروری اعمال نمود. یک سوم از کارکنان دولت بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر اخراج شدند. طبق اطلاعات اولیه رقم مشابهی نیز در بخشهای خود مختار اخراج گردیدند. دولت همچنین بهاء سوخت، برق و مواد غذایی (غلات) را افزایش داد که این خود اقدامی کاملاً نامطلوب بشمار می‌رفت. مالیاتها نیز افزایش یافت.

هم‌اکنون بازسازی دوباره برنامه سرمایه‌گذاری به اجرا درآمده است و تاکید عمده بر سرمایه‌گذاری مستقیم در فعالیتهای تولیدی صورت گرفت. همچنین در زمینه بازسازی انگیزه‌ها در بخش کشاورزی از طریق افزایش مداوم بهاء اقلام تولیدی و پرداخت سوبسید به محصولات کشاورزی تلاش گردید.

در صنعت نیز به بازسازی انگیزه‌ها پرداخته شد. در این بخش مشکلاتی در زمینه روابط کارگران و مدیریت و جایگزینی انگیزه‌های غیرمادی در مقابله با نابرابریهای

موجود در درآمد، وجود داشت. مسئله پیچیده در این زمینه آن است که مناطق خود مختار براساس قیمت‌های ثابت به کار اشتغال دارند. آنها تنها در صورتی اضافه دریافت می‌کنند که هزینه‌هایشان افزایش یافته باشد. همانند بسیاری از کشورهای آفریقائی، مناطق خود مختار تانزانیا مملو از مردان مدافع کشور است که شواهدی بر کاهش این عده بچشم می‌خورد. به تازگی تصمیم گرفته شده که در مناطق خود مختار سقف هزینه‌ها اعمال گردد و توان تولیدی افزایش یابد. برای بهبود کارائی تاکید بر مشاوره‌های مدیریت صورت پذیرفته است.

تاکید بر افزایش توان تولیدی مناطق خود مختار برانگیخته از این حقیقت است که اضافه تولید مناطق خود مختار منبع اصلی

به میزان سرانه ۲۰ دلار خواهد بود. این خود یکی از بالاترین اقلام سرانه در جهان در حال توسعه بشمار می‌رود.

#### ۵- عدم تمرکز حکومت

#### نظام سیاسی و اداری کشور

تانزانیا در زمینه حرکت بسمت یک نظام اجتماعی و سیاسی که طی آن دولت مسئول نیازهای مردم، پیشرفت حاصل نموده است. نظام سیاسی کشور در تامین حق انتخاب سیاسی در چهارچوب محدودیتها موثر بوده و تانزانیا از ثبات سیاسی محکمی بدون کاربرد نیروی قهریه برخوردار بوده است. بهر حال در اثر ملی کردن فعالیت اقتصادی و رشد سریع بوروکراسی دولت مرکزی، خطر بروز طبقه‌ای بوروکرات و ممتاز، پدید آمد که پیامدهای مرتبط با آن تمایزات منزلتی،

۱- کاربرد مفهوم عدم تمرکز از طریق تصمیمات متخذه در مورد توسعه و تخصیص منابع انسانی، مالی و مادی جهت بکارگیری استراتژیهای توسعه.

۲- آیا حکومت در زمینه عدم تمرکز پای فشار است یا دارای تمایلی گذر است که با بروز اولین معضل، مردود شمرده خواهد شد.

ادامه دارد

(۱): منظور از تبعید شدگان اشخاصی هستند که در کشورهای باصلاح تمدن به واسطه انجام جرم و جنایت محکوم به مسرگ یا زندان شده و توسط دولت‌های استعمارگر به کشورهای آفریقائی که تحت استعمار قرار داشتند فرستاده می‌شدند (مجله جهاد).

(۲) در عین حال شواهدی وجود دارند که نشان می‌دهند مسئله جهانگردی مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. در سال ۱۹۷۵ دولت تانزانیا مبادرت به استخدام یک آمریکائی جهت بهبود وضع جهانگردی تانزانیا نمود.

(۳) نام این حزب در سال ۱۹۷۷ به حزب انقلابی تغییر



توسعه سرمایه‌های تانزانیا خواهد بود. در آمد در گردش دولت از ۱۶٪ در سال ۶۸-۱۸۶۷ به ۲۵٪ در سال ۷۶-۱۹۷۵ افزایش یافت از سوی دیگر هزینه‌های در گردش نیز بنوبه خود سریعاً افزایش یافت که در نتیجه اندوخته‌ای برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه برجای نماند.

امروزه ۶۰٪ بودجه توسعه از طریق کمکهای خارجی تامین می‌گردد. کشور تانزانیا سالانه ۳۰۰ میلیون دلار کمک دریافت می‌نماید که

انعطاف ناپذیری، عدم کارائی و عدم مسئولیت نسبت به نیازهای مردم بود. یکی از عکس‌العمل‌های ملت تانزانیا در مواجهه با این امر، ایجاد عدم تمرکز در اداره حکومت و افزایش قدرت و مسئولیت رهبری‌های سیاسی محلی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای بوده است.

#### پیشینه و هدفها

مسائل عمده‌ای که در اکثر بحثهای مربوط به عدم تمرکز در تانزانیا بروز می‌کند به قرار زیر است.

یافت و این زمانی بود که ناتو با حزب زازیبیار ادغام گردید.

(۴) تاکد این نکته ضروری است که این اسناد در بسیاری جهات حاوی اصول اخلاقی و آداب رفتار عمومی است و نه تشریح واقعیت، در عین حال گمراهی است اگر این اسناد را خیال پردازانه توصیف کنیم.

(۵) تحلیل ما در مورد توزیع درآمد براساس مطالعات رینالد. اچ- گرین «اهداف، استراتژیها و دستاوردهای تانزانیا، یادداشتهای بریک بررسی موفق»، آنستیتو مطالعات توسعه، ساسکس، انگلستان (زیراکس)، می‌باشد.

(۶) شلینگ تانزانیا برابر یک دلار آمریکا است.